



بنیاد

تأسیس



آصف جوادی

تازگی خیال و نوشتاری مشتقی پروبال

مروری بر مجموعه شعر «مشتی پروبال» اثر کبرا حسینی

مقدمه

مجموعه شعر «مشتی پر و بال» در برگزیده چهل شعر در قالب‌های غزل، دوبیتی و سپید، نخستین مجموعه شعر خانم کبرا حسینی بلخی است که از سوی مؤسسه انتشارات عرفان، سال ۱۳۹۵، در تهران به چاپ رسیده است. کبرا حسینی بلخی از شاعران پیش‌کسوت شعر مهاجرت و هم‌چنین از جمله بنیان‌گذاران «کانون ادبی - فرهنگی کلمه» در شهر قم است. بیشتر این شعرها پیش از آن که در «مشتی پر و بال» گرد هم آیند، در وبلاگ و صفحه‌فیسبوک شاهر گذاشته شده و مهم‌تر از آن در نشست‌های هفتگی کانون ادبی کلمه در شهر قم نقد و بررسی شده بودند. در آستانه چاپ مجموعه‌مشتی پر و بال، شاعر در بسیاری از این شعرها به‌ویژه در سپیدها، تجدید نظر کرده است.

در این نوشته نخست به شعرهای این مجموعه از نظر فرم و صورت و پس از آن به محتوا و درونمایه پرداخته می‌شود.

الف. شکل و صورت شعرها

تخیل

صور خیال در شعرهای این مجموعه تا اندازه‌ای از گستردگی و تنوع برخوردار است. از میان صورت‌های خیال، تشبیه، استعاره، پارادوکس، تشخیص و حس آمیزی و... را می‌توان در مشتی پر و بال ردیابی کرد، اما این صورت‌های خیال چه اندازه از تازگی برخوردار و رسالت ادبی و خلاقیت هنری خود را انجام داده‌اند، نمی‌توان به‌گونه کلی حکمی صادر کرد. غزل نقطه‌چین در این مجموعه، از تصویرهای خوبی برخوردار است. البته افتادن بخشی از یک مصرع این غزل اگر نمی‌بود.

زبان

زبان در شعرهای این مجموعه بسیار راحت و به دور از تکلف مصنوعی است. خواننده مشتی پر و بال با دستور زبان، واژگان و ترکیب‌های این مجموعه احساس بیگانگی نمی‌کند و انگار هیچ آداب و ترتیب مصنوعی و تکلف‌زانه‌ای با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. از این رو، واژگان و گویش مرسوم در افغانستان و ایران درهم آمیخته و یک نوع صمیمیت ناخودآگاه را به وجود آورده است. تکرار پیاپی برخی واژگان بر تأثیر شعرها بر خواننده افزوده است.

موسیقی

برخی از ادیبان و منتقدان ادبی، از وزن و افاعیل عروضی شعر، به موسیقی بیرونی، از قافیه و ردیف به موسیقی کناری، از هم‌آوایی واژگان به موسیقی درونی و از هماهنگی معنایی به موسیقی معنوی تعبیر کرده‌اند. در این نوشته مروری بر موسیقی بیرونی و کناری این مجموعه می‌شود.

وزن

به نظر می‌رسد، شعرهای کلاسیک مجموعه‌مشتی پر و بال، وزن‌های خود را برگزیده‌اند، نه این که شاعر وزن را بر آن‌ها تحمیل کرده باشد. از این رو، گوناگونی وزن عروضی در این مجموعه، فراوان نیست و هر غزل به فراخور محتوا و درونمایه انتقادی، اجتماعی و غنایی خود با وزن همراه شده است. در برخی از غزل‌ها نارسایی و شکستگی وزنی به چشم می‌خورد که برخی از آن‌ها مربوط به حروف چینی و تایپ و ویرایش مجموعه می‌شود.



قافیه و ردیف

بیشتر ردیف‌ها و قافیه‌ها نیز مانند موسیقی بیرونی هماهنگی و همکاری طبیعی با شعر دارند. کلمات و واژگان به‌گونه خودمانی با انتخاب خود نقش ردیف و قافیه را به عهده گرفته‌اند. ممکن است در برخی بیت‌ها کارکرد خوب و فعال نداشته باشند و حتی از دید برخی منتقدان سختگیر اشتباه باشد، اما شاعر، قلم پاک و خطا پوش بر آن‌ها کشیده است.

قالب‌های شعر

در مجموعه شعر یاد شده، بیشتر شعرها در قالب غزل و سپید سروده شده‌اند؛ اما قالب دوبیتی در اوزان غیر مألوف و غیر مانوس نیز تجربه شده است. شعرهای سپید این مجموعه از بعد هنری بهتر به نظر می‌رسند. محور عمودی غزل‌ها بسیار هماهنگ و یک‌صدا است. از اسراف واژگان و کاربرد بیهوده آن پرهیز شده است. هر جا محتوا و پیام به پایان رسیده است، شعر نیز به پایان رسیده و تلاش برای طولانی کردن محور عمودی شعر نشده است. حتی اگر این شعر (غزل) با چهار بیت به پایان رسیده باشد.

ب. محتوا و درونمایه

درونمایه‌مشتی پر و بال مانند دیگر مجموعه‌شعرهای شاعران افغانستانی، لبریز از تلخی‌ها، شادمانی‌ها و خاطرات مشترک انسان افغانستانی است. نسلی که بیشتر عمر و زندگی او در چنگال دژخیم جنگ، ویرانی و آوارگی اسیر است، به‌ویژه اگر این انسان، زن افغانستانی باشد که قوز بالا قوز می‌شود! در مجموع می‌توان شعرهای مشتی پر و بال را، شعر اعتراض به وضع موجود و محتوای آن را نقد این وضع دردناک نامید.

در این مجموعه به چند موضوع بیشتر پرداخته شده است.

زن

شاعر در این مجموعه، جامعه سنتی و ارزش‌های حاکم بر آن را

شرمساری، شکوه خیمه‌ها، کربلا، مناجات و... افزون بر این، در این مجموعه موضوعات دیگری مانند مرگ، اندوه، روزگار و... نیز حضور دارد که در این نوشته به آن پرداخته نشده است و به قول معروف «اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند». در پایان، با ذکر شعری از مجموعه «مشتی پر و بال» این نوشته را به پایان می‌برم.

خسته

این زن خسته که از وضع خودش دلگیر است
خسته از این تن رنجور و دل بی‌پیر است
در سرش خشم خدایان مسلمان و هنود
در دلش جنگ دو ملت به سر کشمیر است
کاش شمشیر کند صلح میان سر و تن
آخرین راه، یقین، معجزه شمشیر است
مشتی از بال و پر کهنه که با باد آمد
یادی از رفتن بشکوه عقاب پیر است
دیگر از شعر و غزل کاری نمی‌آید باز
شاعر مرده که با روح خودش درگیر است

بر نمی‌تابد. نابرابری جنسیتی که موجب کتمان و نادیده انگاشتن هویت و حقوق اجتماعی زنان در خانواده‌های سنتی می‌شود، برای شاعر قابل تحمل نیست. از این رو، شاعر لب به اعتراض می‌گشاید و بر این گونه نگاه و دیدگاه خط بطلان می‌کشد. زن و زنانگی به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم شاعر در شعرهای ذیل بازتاب یافته است: خسته، نقطه چین، آه بی‌پایان، صبوری، نقشه، گریه، سفره‌خانه سنتی و...

وطن

وطن و زادگاه یکی از دغدغه‌ها و دلواپسی‌های مهم و همیشگی شاعر مجموعه «مشتی پر و بال» است. وطن در ذهن و ضمیر شاعر تبدیل به یک نوستالژی شده است که نه می‌توان امیدوار به چشم‌انداز روشنی برای امروز و فردای آن بود، زیرا توالی تلخ فاجعه کورسوی امید را به تداوم حوادث ریشه‌دار و تاریخی سپرده است و نه می‌توان آن را فراموش کرد؛ زیرا خاطرات کودکی خود را در آن جا، جا گذاشته است. این موضوع، در این شعرها بازتاب یافته است:

این روزها، شهر من، بازگشت، نوبهار بلخ و...

عشق

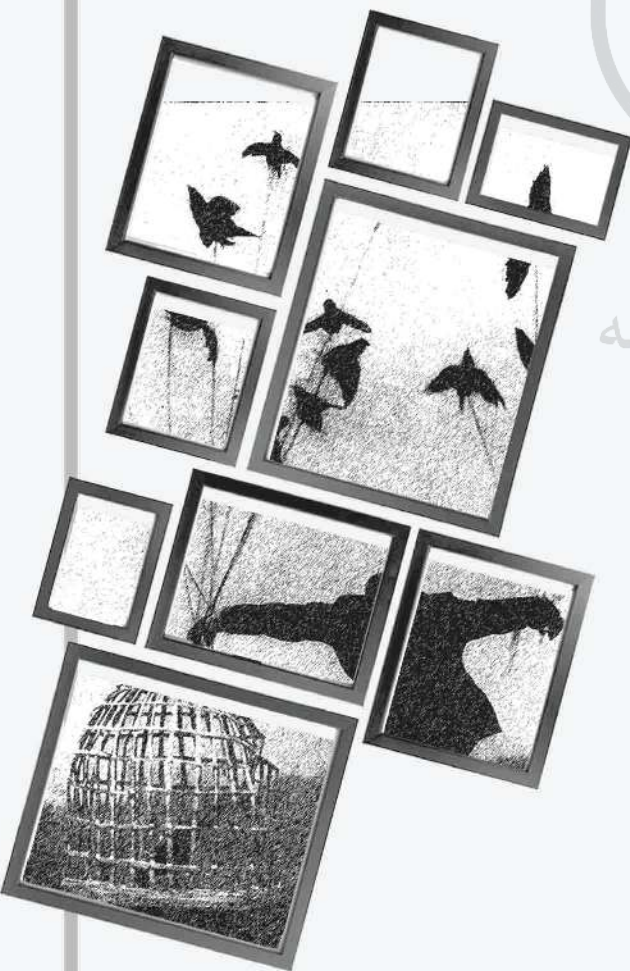
شاعر «مشتی پر و بال» همان‌گونه که در بیان و انتقال موضوعات و مسائل دیگر بدون تکلف و تصنع و بی‌هیچ آداب و ترتیبی می‌پردازد، به عشق و علاقه شخصی خویش نیز می‌پردازد؛ گویا این مسئله نیز بخشی از زندگی انسان است همان‌گونه که نفرت و مرگ و... بخش جدایی‌ناپذیر زندگی است.

این مسئله در این شعرها چهره نمایانده است:

نهانی، آتشین، لکنت، دلواپسی، باغ، نگاهت و همه دو بیتی‌ها

مذهب

مذهب و باورهای شخصی مذهبی و مناسبت‌های مذهبی یکی دیگر از دغدغه‌های مجموعه شعر یاد شده است. مذهب و باورهای مذهبی که در این مجموعه بازتاب یافته‌اند، براساس درک و دریافت شاعر است که در قالب یک نیاز انسان در آمده است. بدون آن که بر درستی و نادرستی آن باور، اصرار و پافشاری شود. باورهای مذهبی در این اشعار بازتاب یافته است:



شاعر «مشتی پر و بال» همان‌گونه که در بیان و انتقال موضوعات و مسائل دیگر بدون تکلف و تصنع و بی‌هیچ آداب و ترتیبی می‌پردازد، به عشق و علاقه شخصی خویش نیز می‌پردازد؛ گویا این مسئله نیز بخشی از زندگی انسان است همان‌گونه که نفرت و مرگ و... بخش جدایی‌ناپذیر زندگی است.